



خیلواکی

استقلال

www.esteqaal.net

حمید انوری

چهارشنبه ۷ اکتوبر ۲۰۲۶

"هوش مصنوعی"، "لمبه رنگریز" یا همانا "ن. جلیلزاد"

در این مختصر به هویت اصلی و حقیقی "لمبه رنگریز" یا همانا "ن. جلیل زاد" و یا هم "هوش مصنوعی" پرداخته نمی شود، اما نوشته تازه "هوش مصنوعی" و یا هم "ن. جلیل زاد" را اندکی سبک و سنگین میکنم و مثل همیشه قضاوت را می گذارم به هموطنان عزیز و دراک خویش. ایشان در تازه ترین نوشته شان به گفته مشهور وطنی ما، همه الله و بلا را انداخته اند گویا بر گردن ملا و سخت یک جانبه قضاوت فرموده اند. (این مختصر هنوز به پایان خود نرسیده بود که نبشته فصل دیگری تحت همین نام، به زیور طبع آراسته گردید و عکس های ختم این مختصر از نوشته "ن. جلیل زاد" گرفته نشده، بلکه از نوشته "لمبه رنگریز" کاپی شده است.) تازه ترین نبشته شان این عنوان را با خود به دوش می کشد: (البته تازه ترین نوشته شان دگر نه، بلکه نوشته یک روز قبل برآن.)

"کابل و شهر ها را آتش زدند و نام آنرا جهاد گذاشتند"

عنوان زیبا، گویا و رسا است و نوشته هم که به تعقیب آن آمده است، زیبا، رسا و گویا است و در نظر نخست هم هیچ ایرادی ندارد، اما اگر آنرا با دقت و از سطر نخست تا سطر اخیر مطالعه کنیم، یک خلای اساسی دارد که نبشته متذکره را از تمام روح و روان و جان و خرد، تهی ساخته است. آن خلای مهم و اساسی و آن لقمه گلوگیر، این است که ایشان، چه "لمبه جان" باشند و چه "جلیلزاد خان" و چه هم "هوش مصنوعی"، دنیا را همه از یک چشم تماشا نموده و قضاوت یک چشمه هم نمی تواند قضاوت عادلانه باشد.

ایشان و یا هم اینان، کودتای نامیمون و خونین و ننگین هفتم ثور ۱۳۵۷ و به تعقیب آن هم تجاوز وحشیانه تجاوزگران بی مقدار روسی در ششم جدی ۱۳۵۸ را کاملاً نادیده گرفته و عمداً از قلم می اندازند و...

بیائید بی طرفانه و عادلانه قضاوت کنیم و از یکجانبه نگری بپرهیزیم.

اگر کودتاجیان بی آرم خلقی و پرچمی در افغانستان دست به یک کودتای خونین و ننگین نمی زدند، اگر خونهای پاک مردم شریف افغانستان را در هر کوی و برزن و هر دشت و دمن جاری نمی ساختند، اگر از کشته های مردم مظلوم میهن، پشته ها نمی ساختند، اگر به مقدسات مردم مسلمان افغانستان، سخیفانه نمی تاختند، اگر از خونهای پاک مردم شریف افغانستان در هر کوی و کنار و هر شهر و روستا و هر کوچه و بازار و... جوی ها جاری نمی ساختند، اگر افغانستان عزیز را به یک گورستان غم انگیز مبدل نمی نمودند، اگر از افغانستان آزاد، یک زندان و شکنجه گاه وحشتناک نمی ساختند و...، نه جنگ ای درکار بود و نه جهادی و نه قتل و کشتاری و نه هم آوارگی و دربردی و بی خانمانی و... از زندانهای متعدد و شکنجه گاه ها در هر کوی و برزن و کشتارگاه ها و پلیگون ها و گورهای دسته جمعی و زنده به گور کردن ها و... جدا خواهم نوشت. تاریخ حافظه قوی دارد. هر آنچه جناب "ن. جلیلزاد" نوشته اند، کاملاً حقیقت است و یک حقیقت بسیار تلخ و غمبار که هر انسان باشرف را لرزه به اندام می افتد، اما با درد و دریغ که یک جانبه قضاوت فرموده اند و گویا "الله و بلا را افکنده اند به دوش ملا"، اما با درد و دریغ علت اصلی و اساسی آنهمه جرم و جنایت و قتل و کشتار و چور و غارت را یا نخواستند، تذکر دهند و یا هم گویا از قلم شان افتاده است و یا هم "هوش مصنوعی"، حافظه تاریخی ندارد.

جهت روشن ساختن مطلب و قضاوت هموطنان، لینک نوشته متذکره فوق را اینجا علاوه میکنم:

[کابل و شهر ها را آتش زدند و نام آن را جهاد گذاشتند](#)

هیچکس نمی گوید و هم نخواهد گفت که تنظیم های ایران نشین و پاکستان نشین، جنایت نکردند و مرتکب بزرگترین خیانت ها نشدند، اما باید واقع بین بود و قبول کرد اینکه علت به وجود آمدن تنظیم های گویا "جهادی" در ایران و پاکستان، کودتای ننگین هفتم ثور و بعد هم تجاوز وحشیانه یرغلگران بی همه چیز روسی بر سرزمین آزاده ما بود و اساس تمام قتل و کشتار و چور و غارت و جرم و جنایت و خیانت را در میهن عزیز ما، کودتاجیان شرف باخته و وجدان مرده خلقی و پرچمی و دنباله روان بی مقدار شان گذاشتند و بعد هم تجاوزگران وحشی و ددمنش روسی بودند که دمار از روزگار مردم شریف افغانستان بدرآوردند و با یک شکست شرم آور، راه خود گرفتند و رفتند و یک کشور ویرانه و پارچه پارچه و جنگ زده و به غارت برده شده، بجا گذاشتند، اما دردا و دریغا که نه جناب "ن. جلیل زاد"، نه "لمبه رنگریز" و نه هم "هوش مصنوعی"، در مورد خمی بر ابرو آوردند و بگفته مشهور وطنی ما "شتر دیدی، نه دیدی".

تخت خوابت گر طلا باشد و فرشش از حریر بالش وجدان گر راحت نباشد، خواب نیست

